

# کنیه‌ها و لقبهای



ابوالفضل هادی متش

## اشاره

حضرت علی علیه السلام داخل شد و زینب علیها السلام فداقهٔ کودک را به دست وی داد. اشک شوق از دیدگان پدر بر چهرهٔ نوزاد لغزید و او را در آغوش فشرد. سپس آن والا مقام، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را اجرا کرد و در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه گفت و لحظاتی بر چهرهٔ نوزاد خویش، خیره ماند. میلاد او، چهارم شعبان سال بیست و ششم هجری<sup>۱</sup> هنگام ظهر<sup>۲</sup> بود.

خورشید به وسط آسمان رسیده بود که قنبر، دوان دوان خود را به مسجد رساند، بر آستانهٔ در ایستاد و نفس زنان امیر مؤمنان، علی علیه السلام را از به دنیا آمدن نوزادشان باخبر ساخت و عرض کرد: «مولای من! هم اکنون آمده‌ام که هم بشارت دهم و هم اسم و کنیهٔ نوزاد را از شما بپرسم.»

برق شادی در چشمان آسمانی آن امام جهید و با گامهایی پرصلابت و دلی سرشار از احساس، به سوی خانه قدم برداشت. در خانه باز شد و حضرت زینب علیها السلام به استقبال آمد.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۲، ص ۷۵ و الوقایع والحوادث، باقر ملبوبی، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۳۰.

## سنت نامگذاری

میان اعراب، حتی در دوران جاهلیت، سنتی رواج داشت که نام نوزاد را از روی تفرّلی بر آینده‌اش برمی‌گزیدند؛ یعنی اگر می‌خواستند در آینده، صفتی در وی بارز شود و برجستگی یابد، نامی برگرفته از آن صفت بر او می‌نهادند تا بعدها زمینه دستیابی به آن صفت در آن شخص بیشتر هموار شود؛ یعنی فرد بکوشد تا از اسمش، مسمای حقیقی بسازد و روحیات خود را به نام خویش نزدیک کند؛ همچنان‌که امروزه نیز روان‌شناسان، اثر تربیتی نام اشخاص را دریافته‌اند.

چه بسا آنان‌که به دلیل داشتن اسم نیکو، خود را از بسیاری بدیها دور می‌دارند و چه بسیار افرادی که به سبب داشتن نام نامناسب و بی‌ارزش، برای شخصیتشان نیز ارزش چندانی قائل نمی‌شوند. گاه برخی که هوشیارتر هستند، بعدها، اسم خود را به نامی نیکوتر تغییر می‌دهند؛ از اینرو است که در اسلام سفارشهای بسیاری برای گذاشتن نام نیکو دیده می‌شود.

شخصی از رسول خدا ﷺ پرسید: «حقّ فرزندانم بر من چیست؟»

پیامبر اکرم ﷺ پاسخ فرمود: «تُحَسِّنِ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَضِعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا»<sup>۱</sup> نام خوبی بر او برگزین و نیکو، تربیتش کن و او را در موقعیت [و شغل] خوبی بگمار.

نیز فرمود: «أَوَّلُ مَا يَبْرَأُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ»<sup>۲</sup> نخستین کار نیکی که انسان باید برای فرزندش انجام دهد، این است که اسم نیکو بر او بگذارد. پس همگی شما باید نام خوب بر فرزندان بگذارید.

پس از اینکه نوزاد خانه علی عليه السلام به عرصه گیتی گام نهاد، او را در قنذاقه‌ای نهادند و به دست آن جناب دادند. چشمها منتظر و دلها بی‌قرار بود تا ببینند امام، نوزادش را چه می‌نامد و به چه انگیزه‌ای، آن را برمی‌گزیند.

آن حضرت برای عمل به سنت رسول خدا ﷺ و برای اینکه تفرّلی بر آینده درخشان نوزاد خویش زده باشد، او را عباس نامید. عباس در اصطلاح

۲. بطل العلقمی، عبد الواحد بن احمد المظفر،

نجف، مطبعة الحیدریه، بی‌تا، ج ۲، ص ۶.

۱. فروع الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق، ج ۶، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۱۸.

برای افراد در میان قبایل عرب، گونه‌ای از بزرگداشت و تجلیل برای فرد است.<sup>۷</sup>

در اسلام نیز توجه زیادی به آن شده است. غزالی می‌نویسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله اصحاب خود را از روی احترام برای به دست آوردن دل‌هایشان با کنیه صدا می‌زد و برای افراد بی‌کنیه، کنیه‌ای انتخاب می‌فرمود و سپس آنها

عرب از ماده عَبَسَ به معنای «در هم کشیدن بشره و گرفتگی صورت»<sup>۱</sup> است. برخی عباس را به معنای شیری گرفته‌اند که دیگر شیرها از او می‌گریزند.<sup>۲</sup> و برخی دیگر، آن را به «الاسد الغضبان؛ شیر خشمگین» ترجمه کرده‌اند.<sup>۳</sup>

از آنجا که امام علی علیه السلام از شجاعت و شکوه ایستادگی و پایداری عباس علیه السلام در پیکار با دشمنان حقیقت، آگاهی کامل داشت، او را عباس نامید.<sup>۴</sup>

حضرت عباس علیه السلام مصداق روشن و بارز آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»<sup>۵</sup> بود.<sup>۶</sup> وی از سویی، وارث گنجینه دلیری و مردانگی نسلی شمرده می‌شود که از هاشم، جد بزرگ او آغاز شد و تا پدر بزرگوارش، علی بن ابی طالب علیه السلام ادامه داشت و از سوی دیگر، با دریای نام‌آوری و استعداد خانواده مادری خویش پیوند داشت که این دو، از آن جناب وجودی سرشار از کمال و افتخار آفرید.

### کنیه‌های حضرت عباس علیه السلام

کنیه، در فرهنگ عربی به نامهایی می‌گویند که پیشوند آب در مردان، و ام در زنان داشته باشد. سنت انتخاب چنین نامی

۱. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۲۹.
۲. معالی السبطين، محمد مهدی مازندرانی، قم، منشورات الشریف الرضی، دوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۴۳۷.
۳. مقتل الحسین علیه السلام، محمد تقی السید بحر العلوم، بیروت، دار الزهراء، دوم، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۱۰.
۴. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۳۷؛ وسیلة الدارين فی أنصار الحسین علیه السلام، موسوی زنجانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۳۹۵ ق، ص ۲۶۸؛ کبريت الاحمر فی شرائط اهل المنبر، محمد باقر خراسانی بیرجندی، تهران، انتشارات الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸۴؛ مقتل الحسین علیه السلام، بحر العلوم، ص ۳۱۰.
۵. فتح/۲۹.
۶. خصائص العباسیه، محمد ابراهیم کلباسی، تهران، انتشارات خامه، دوم، ۱۳۵۹ ق، ص ۱۱۸.
۷. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۱، ص ۱۶۴۵۲.

الف. آنچه از بررسی اسامی افراد در تاریخ به دست می‌آید این است که انتخاب کنیه، همواره بر اساس نام فرزند بزرگ‌تر فرد نبوده و در موارد بسیاری، این قاعده وجود ندارد.

ب. نوشته‌اند در خاندان بنی هاشم، هر که عباس نام داشت، به او ابو الفضل می‌گفتند؛ همان‌گونه که عباس بن عبد المطلب، عباس بن ربیعة بن الحارث بن عبد المطلب و... نیز چنین بوده‌اند.<sup>۳</sup> این مطلب، گفته‌ای مقبول و موجه به نظر می‌رسد.

ج. برخی دیگر گفته‌اند این کنیه برگرفته از برتری و فضلی بوده است که از

را بدان می‌خواند. مردم نیز از آن پس، فرد مذکور را با آن می‌خواندند. حتی آن حضرت برای افرادی که فرزندی نداشتند تا کنیه‌ای داشته باشند، کنیه‌ای می‌نهاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسم داشت حتی برای کودکان نیز کنیه برمی‌گزید و آنان را مثلاً ابا فلان صدا می‌زد تا دل کودکان را نیز به دست آورد.<sup>۱</sup>

در اینجا برخی کنیه‌های حضرت عباس علیه السلام بر شمرده می‌شود:

### ۱. ابو الفضل

در منابع بسیاری، کنیه آن حضرت را ابو الفضل بر شمرده‌اند<sup>۲</sup> که در بین کنیه‌های ایشان، ابو الفضل (= ابو فاضل، ابو الفضائل) مشهورترین است؛ اما موارد دیگر، یا غیر مشهور هستند و یا اینکه پس از واقعه کربلا، او را بدان خوانده‌اند. در باره این کنیه، بحث وجود دارد که آیا واقعی بوده و آن حضرت، پدر فرزندی به نام فضل بوده است یا اینکه به صورت اعتباری و در واقع، لقبی بوده است که بدین شکل به او نسبت داده‌اند. گفته‌ها و احتمالاتی در این زمینه وجود دارد که بدان پرداخته می‌شود:

۱. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، تهران، انتشارات مفید، دوم، ۱۳۷۶ ش، ج ۸، ص ۵۹۵.

۲. نفس المهموم، شیخ عباس قمی، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، بی‌تا، ص ۳۳۲؛ تنقیح المقال فی احوال الرجال، عبد الله مامقانی، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۵۲ ق، ج ۱، ص ۱۲۸؛ عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب، ابن عنبه الحسنی، نجف، المطبعة الحیدریه، دوم، ۱۳۸۰ ق، ص ۳۹۴؛ ذخیره الدارین، السید عبد المجید الحائری، نجف، المطبعة المرتضویه، ۱۳۴۵ ق، ج ۱، ص ۱۴۴ و معالی السطین، ج ۱، ص ۴۴۳.

۳. بطل العلقمی، عبد الواحد بن احمد المظفر، نجف، مطبعة الحیدریه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹.

برگزیدن چنین کنیه‌هایی را بر افراد، بدون اشکال دانست.

د) گذشته از مطالب پیشین، منابع، در ردیف فرزندان عباس علیه السلام نام پسری را به اسم فضل آورده‌اند؛<sup>۳</sup> اما چون فضل، فرزندی نداشت، احتمال این وجود دارد که نام او از حافظه تاریخ حذف شده باشد. این مسئله، سبب شده است که برخی برای توجیه کنیه حضرت عباس علیه السلام بر مطالبی مانند آنچه گذشت، تمسک جویند؛ گرچه هیچ‌یک از آنها با هم منافاتی ندارد و قابل جمع است؛ یعنی وقتی در کودکی، شخصی را ابو الفضل بخوانند، در او زمینه‌هایی هم ایجاد می‌شود که نام یکی از فرزندان خویش را فضل بگذارد.

#### ۲. ابو القزبة

در لغت عرب، قِرْبَة به معنای

کودکی در حضرت نمود فراوان داشته است و او را بدان صفت می‌شناخته‌اند؛ آن‌گونه که در سوگ او نیز سروده‌اند:

أَبَا الْفَضْلِ يَا مَنْ أَسَسَ الْفَضْلَ وَالْإِبَا

أَبِي الْفَضْلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ لَهُ أَبَا<sup>۱</sup>  
ای ابو الفضل! ای کسی که هر برتری و پاکدامنی را بنا نهادی! آیا برای من برتری و فضلی وجود دارد که تو پدر آن نباشی؟ (آیا کسی می‌تواند فضلی داشته باشد که در تو نباشد.)

همچنین در بین اعراب و مسلمانان نیز چنین سنتی بسیار دیده می‌شده است که کنیه افراد را بر اساس ویژگیهای آنان می‌گذاشته‌اند. آورده‌اند روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که فردی را ابو الحکم می‌خوانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را نزد خود خواند و فرمود: «همانا حَکَم (داور) خداست و حُکَم از آن اوست؛ تو چرا ابو الحکم خوانده می‌شوی؟» او پاسخ داد: هرگاه قبیله‌ام بر سر مسئله‌ای اختلاف پیدا می‌کنند، نزد من می‌آیند و من، بین آنان داوری و با صادر کردن حکم خویش اختلاف را برطرف می‌کنم.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چه کار خوبی می‌کنی!»<sup>۲</sup> و

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. العباس علیه السلام، عبد الرزاق المقرم، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا، ص ۱۹۵ و المسجدی فی أنساب الطالبین، نجم الدین ابو الحسن علی بن محمد بن العلوی العمری، قم، مطبعة سید الشهداء، مکتبة آية الله العظمی النجفی، اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۳۱.

### ۱. قمر بنی هاشم

حضرت عباس علیه السلام از جمال و زیبایی ویژه‌ای برخوردار بود؛ به گونه‌ای که سیمای دلربای او جلب توجه می‌کرد و چهره‌اش مانند ماه تمام، تابناک می‌نمود؛ چون از دودمان هاشم، جد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، او را «ماه فرزندان هاشم» می‌خواندند. قمر بنی هاشم لقبی مشهور برای حضرت به شمار می‌رود و بسیاری از منابع، آن را آورده‌اند.<sup>۵</sup>

«مشک آب» است. ایشان را به دلیل آبرسانی در کربلا، این‌گونه نامیده‌اند. در بسیاری از منابع تاریخی و رجالی، ابو القربة را برای حضرت ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳. ابو القاسم

کنیه‌ای غیر مشهور برای حضرت است؛<sup>۲</sup> اگر چه برخی نوشته‌اند آن جناب، فرزندی به نام قاسم داشت که در کربلا به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

### ۴. ابو الفرجة

در لغت عرب «فرجه»، «گشایش در سختی و برطرف شدن اندوه» معنا شده است. برخی آن را برای حضرت بر شمرده‌اند که بیشتر به لقبی در قالب کنیه می‌ماند. دلیل آن هم برطرف کردن اندوه و گشایش در سختیها در نتیجه توصل به او است.<sup>۴</sup>

### لقبهای حضرت عباس علیه السلام

به عناوینی که بر اثر بروز ویژگیهایی در انسانها، به آنان نسبت داده شود و بیانگر ویژگی‌شان باشد، لقب می‌گویند. آن بزرگوار، القاب بسیاری دارد. برای ایشان بیش از بیست لقب مشهور بر شمرده‌اند که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. أنساب الاشراف، احمد بن یحیی بن جابر البلاذری، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۱۹۲؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن الحسن الطبرسی، نجف، مکتبة الحیدریه، دوم، ۱۳۹۰ ق، ص ۲۰۳ و مقاتل الطالیین، ابو الفرج الإصهانی، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۵.
۲. بطل العلقمی، ج ۲، ص ۸.
۳. مقتل الحسین علیه السلام، محمد تقی بحر العلوم، بیروت، دار الزهراء، دوم، ۱۴۰۵ ق؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۵ و العباس علیه السلام، ص ۱۹۵.
۴. همان، ص ۱۰.
۵. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب السروی المازندرانی، ابو جعفر محمد بن علی، قم، مطبعة العلمیه، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۴۰؛ تنقیح المقال فی احوال الرجال، عبد الله مامقانی، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۵۲ ق، ج ۲، ص ۷۰؛ اعیان الشیعة،

## ۲. سقا

می‌شد دستور امام خویش را اجرا کند. وی جایگاه بلندی نزد برادرش اباعبدالله علیه السلام داشت.

نوشته‌اند: «همان‌گونه که پدرش امیر مؤمنان علیه السلام جایگاه بلندی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت و باب او بود و هرگاه مشکلی روی می‌داد خاتم انبیا صلی الله علیه و آله ابتدا آن را با علی علیه السلام در میان می‌گذاشت، عباس علیه السلام نیز چنین حالتی نسبت به سید الشهداء علیه السلام داشت. امام،

سقا از مشهورترین لقبهای ایشان است و پس از واقعه کربلا بدان متصف شد.<sup>۱</sup> یکی از بی‌رحمانه‌ترین حربه‌های جنگی دشمن در واقعه کربلا، بستن آب بر لشکر امام حسین علیه السلام بود که از روز هفتم ماه محرم آغاز شد؛ اما آن حضرت همراه برخی دیگر از بنی هاشم، به فرات حمله می‌برد و آب می‌آورد.<sup>۲</sup>

و این لقب را از پدران خویش به ارث برده بود؛ زیرا حضرت عبدالمطلب، هاشم، عبدمناف و قُصّی نیز چنین لقبی داشتند. حضرت ابوطالب علیه السلام و عباس عموی پیامبر نیز به چنین ویژگی پسندیده‌ای مشهور بودند.<sup>۳</sup>

## ۳. باب الحوانج

سید محسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۴۲۹ و العوالم، شیخ عبد الله بحرانی، قم، مدرسة الامام المهدي، اول، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۷، ص ۲۸۲.

۱. الشقات، محمد بن حبان، دائرة المعارف العثمانیه، اول، بی‌جا، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۳۱۰ و السیره النبویه، محمد بن حبان، بیروت، مؤسسة الثقافیه، اول، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۵۹.

۲. اختصاص، محمد بن محمد بن نعمان الشیخ المفید، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، ص ۷۸؛ رجال الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، نجف، مطبعة الحیدریه، اول، ۱۳۸۱ ق، ص ۷۲؛ مقتل الحسین علیه السلام، موفق بن احمد الملکی، مشهور به اخطب خوارزم (الخوارزمی)، قم، مکتبه المفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹ و مقاتل الطالبین، ص ۵۶.

۳. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بیروت، دار صادر، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶؛ سیره النبویه، ابن هشام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۵ ق، ج ۱، ص ۹۶.

او در دوران زندگانی امام مجتبی علیه السلام پیوسته در کنار آن حضرت به مددکاری مردم و برآوردن نیازهایشان می‌پرداخت. این رویه در زمان امامت امام حسین علیه السلام و پیش از جریان عاشورا نیز ادامه داشت تا آنجا که هرگاه نیازمندی نزد این دو امام همام می‌آمد، حضرت عباس علیه السلام مأمور

مظهر رحمت کلیه الهیه است و باب و پیشکار آن حضرت، سقای کربلا، سرحلقه ارباب وفا، آقا باب الحوائج الی الله، ابو الفضل العباس صلوات الله وسلامه علیه است.<sup>۴</sup>

#### ۵. کَبَشِ الْکِتِیْبَةِ

اصطلاحی نظامی است که در جنگها به کار می رفته است. این عنوان، به رزمنده شجاعی اطلاق می شده است که تمام صفات شجاعت و نام آوری در او جمع بوده و در پیشانی لشکر به جنگ با دشمن می پرداخته است. کَبَشِ الْکِتِیْبَةِ، پیش از حضرت عباس علیه السلام تنها به دو نفر داده شد:

ابتدا به فردی قریشی از قبیله بنی عبد

هر مشکلی را با برادرش در میان می گذاشت و از او می خواست که آن را برطرف کند.<sup>۱</sup> این مسئله سبب شد تا ایشان را «باب الحوائج» برآورنده نیازها بخوانند.<sup>۲</sup> البته گویا این لقب بعدها نیز در نتیجه توسل های مردم و کرامت های آن حضرت به ایشان داده شده است.

#### ۴. باب الحسین علیه السلام

شدت دلبستگی حضرت به برادر بزرگ تر خود، امام حسین علیه السلام تا آنجا بود که همواره خود را خدمتگزار وی می دانست و برای اجرای فرمان های ایشان، همیشه پیشقدم بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيُّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»<sup>۳</sup> من شهر دانش هستم و علی دروازه ورود به آن است. پس هر کس خواهان ورود به شهر دانش است، باید نخست سراغ در آن را بگیرد.» حضرت عباس علیه السلام نیز درب ورود به شهر حسینی علیه السلام بود.

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره فرمود: «مرحوم سید السالکین و برهان العارفين، آقا سید علی قاضی، فرمود: «هنگام کشف بر من آشکار شد که وجود مقدس ابا عبد الله الحسين علیه السلام

۱. بطل العلقمی، ج ۳، ص ۳۵.

۲. مقاتل الطالبین، ص ۵۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بطل العلقمی، ج ۳، ص ۲۰۸ و کبریت الاحمر، ص ۳۸۴.

۳. مستدرک الحاکم النیسابوری، حافظ ابو عبد الله محمد بن عبد الله الحاکم النیسابوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۲۶.

۴. چهره درخشان قمر بنی هاشم ابو الفضل العباس علیه السلام، علی ربانی خلیفانی، قم، مکتب الحسین، پنجم، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.



الدار که از دشمنان سرسخت مسلمانان بود و طلحة بن ابی طلحة نام داشت. او در جنگ احد با امیر مؤمنان علیه السلام مبارزه کرد و کشته شد؛ زیرا شخص دیگری، جرئت رویارویی با او را نداشت و شجاعت و جنگاوری وی، باعث تضعیف روحیه مسلمانان شده بود.

مرگ او، تقویت روحیه مسلمانان و خوشحالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به دنبال آورد؛ زیرا باعث شد اتحاد مشرکان به شدت از هم گسیخته شود و بسیاری از آنان پا به فرار گذارند.<sup>۱</sup>

دومین فردی که پیش از حضرت ابو الفضل علیه السلام به این لقب خوانده شد، مالک اشتر نخعی بود. او را در دوران خلافت امیر مؤمنان علیه السلام کبش العراق می خواندند.<sup>۲</sup> پس از وی، این لقب به حضرت عباس علیه السلام رسید؛ آن گونه که از زبان ابا عبد الله علیه السلام سروده اند:

عَبَّاسُ كَبْشُ كَيْبَيْتِي وَكَتَائِي

وَسِرُّ قَوْمِي بَلْ أَعَزُّ حُضُونِي

عباس، پهلوان لشکر و اهل بیت من، بلکه شکست ناپذیرترین دژ من است.<sup>۳</sup>

ع. حامی الطعينة

در لغت عرب، طعينة از ریشه

ظَعَنَ (کوچ کرد) گرفته شده و به معنای زن هودج نشین<sup>۴</sup> است. این لقب از جمله القابی است که پس از واقعه عاشورا به حضرت داده شد و به معنای پشتیبان زنان هودج نشین است؛ چرا که دلگرمی زنان اهل حرم به بازوی توانای او بود. چه بسا پشتیبانی و حمایت از زنان بی دفاع، خود، بخش بزرگی از دفاع است و وجود او در بین لشکر، قوت قلبی برای همه به شمار می آمد.

این لقب در عرب، پیش از وی تنها به یک نفر داده شده است و او ربیعة بن مکدم کنانی از قبیله بنی فراس است و چه در زمان زندگی و چه پس از مرگش او را این گونه می خوانده اند. آن سان که در باره اش سروده اند:

حَامِي الطَّعِينَةِ اَيْنَ مِنْهُ رَبِيعَةَ

أَم اَيْنَ مِنْ عَلِيَا اَبِيهِ كَلَامٌ<sup>۵</sup>

لقبهای حضرت عباس علیه السلام است. البته القاب یاد شده از مشهورترین

۱. بطل العلقمی، ج ۲، ص ۵۳ و ۵۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. فرهنگ معاصر، آذرتاش آذرنوش، تهران،

نشرنی، اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۱۳.

۵. بطل العلقمی، ج ۲، ص ۶۳ و ۶۴.

ایشان لقبهای دیگری نیز دارند که

بدین شرح است:

۷. شهید<sup>۱</sup>

۸. عبد صالح؛

۹. مستجار (پشت و پناه)؛

۱۰. فادی (فداکار)؛

۱۱. ضِعْم (شیر)؛

۱۲. مؤثر (ایثارگر)؛

۱۳. ظَهر الولاية (پشتیان

ولایت)؛

۱۴. طیار<sup>۲</sup>؛

۱۵. اکبر<sup>۳</sup>؛

۱۶. مواسی (ایثارکننده)؛

۱۷. واقی (پاسدار)؛

۱۸. ساعی (تلاشگر)؛<sup>۴</sup>

۱۹. صدیق (راست‌گفتار و

درست‌کردار)؛

۲۰. بَطَل (گُرد)؛

۲۱. اطلس (چابک و شجاع، در

لغت به معنای رنگارنگ یا دورنگ<sup>۵</sup> و

کنایه از فرد زیرک و چابک است)؛

۲۲. حامل اللواء (پرچمدار)؛<sup>۶</sup>

۲۳. صابر؛

۲۴. مجاهد؛

۲۵. حامی؛

۲۶. ناصر<sup>۷</sup>؛

در کلام معصومان علیهم‌السلام لقبهای

دیگری نیز برای حضرت عباس علیه‌السلام

آمده است که از جایگاه والا و مقام

ازجمند آن علمدار ولایت، حکایت

می‌کند.

۱. مصباح الزائر، سید بن طاووس، قم، مؤسسة آل البیت، اول، ۱۴۱۷ق، ص ۲۴۵-۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۲-۲۲۷.

۲. بطل العلقمی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳. الطبقات، محمد بن سعد، لیدن، مطبعة بریل، ۱۳۲۱ق، ج ۳، ص ۱؛ سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، مصر، دار المعارف، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۶؛ مرآة الجنان و غیرة الیقظان، ابو محمد عبد الله بن اسعد بن علی بن سلیمان الیافعی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، دوم، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، عبد الحی بن احمد بن محمد ابن عماد العکری الحنبلی، بیروت، دار ابن کثیر، اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۶؛ بطل العلقمی، ج ۲، ص ۷۲ و مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵.

۴. سه لقب اخیر در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

۵. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۳۵.

۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰ و بطل العلقمی، ج ۲، ص ۱۲.

۷. چهار لقب اخیر در: الاقبال، علی بن موسی بن جعفر السید بن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۹۰ق، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۶۴ و مصباح الزائر، ص ۳۵۱.